



جواز

جواز: **اباحه**، **صحت**، عدم لزوم عقود نافذ بودن.

فهرست مندرجات

- ۱ - کاربرد واژه
 - ۱.۱ - اباحه بالمعنی الاخص
 - ۱.۲ - اباحه بالمعنی الاعم
 - ۱.۳ - حکم وضعی
- ۲ - اقسام جواز
- ۳ - منبع

کاربرد واژه

این عنوان در کلمات **فقها** به معانی گوناگون به کار رفته است.

← اباحه بالمعنی الاخص

گاه از جواز، اباحه به معنای خاص (مخیر بودن مکلف بین فعل و ترک بدون رجحان یکی بر دیگری) اراده می‌شود که یکی از احکام پنج گانه تکلیفی است .

← اباحه بالمعنی الاعم

و گاه اباحه به معنای عام، که مطلق افعال غیر لازم، اعم از **مباح**، **مستحب** و **مکروه** یا افعال غیر ممنوع، اعم از آن سه و **واجب** را دربر می‌گیرد .

← حکم وضعی

گاهی نیز مراد از جواز، حکمی وضعی است.

این **حکم** یا **صحت** است که در **معاملات** و **عبادات** کاربرد دارد، مانند عدم جواز **نماز** یا لباس تهیه شده از پشم **حیوان** حرام گوشت یا عدم جواز **بیع مجهول**. مراد از عدم جواز در این موارد، عدم **صحت** است . یا عدم لزوم **عقد** ، به معنای **حق** فسخ داشتن در عقود جایز در مقابل عقود لازم و یا نافذ و دارای اثر بودن، مانند «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» که مراد نافذ بودن اقرار عقلا علیه خود و در نتیجه ترتب آثار آن می‌باشد .

اقسام جواز

جواز ثابت به دلیل شرع، **جواز شرعی** و جواز ثابت به دلیل عقل، **جواز عقلی** نام دارد.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج۳، ص ۱۳۲.